

آن کاترین سواين فورد لمتون

مالک و زارع در ایران

مترجم

منوچهر امیری



۱۳۹۳

فهرست مطالب

نه	مقدمه مترجم بر چاپ اول
هفده	مقدمه مترجم بر چاپ سوم
بیست و یک	مقدمه مترجم بر چاپ چهارم
بیست و چهار	فهرست حواشی و تعلیقات مترجم بر چاپ اول
بیست و هفت	دیباجه مؤلف بر نشر ۱۹۶۹
سی و یک	دیباجه مؤلف بر نشر ۱۹۹۱
۱	دیباجه مؤلف
۵	منابع تحقیق
۳۱	پیشگفتار - ده
	بخش نخست
۴۹	فصل نخست ، منشأ تاریخی : استیلای عرب
۸۷	فصل دوم ، اداره کردن درآمدهای مملکتی
۱۲۰	فصل سوم ، سلجوقیان و روش اعطای اقطاع
۱۶۳	فصل چهارم ، مغول و دست برداشتن آنان از سنت
۲۱۲	فصل پنجم ، صفویه و نشو و نمای حکومت مطلقه
۲۵۰	فصل ششم ، افشاریه یا برزخ میان دو سلسله، ظهور قاجاریه

۲۸۵	فصل هفتم ، نیمه دوم قرن نوزدهم ، طلیعة اصلاحات
	بخش دوم
۳۳۱	فصل هشتم ، دوره مشروطیت : روی کار آمدن رضاشاه
۳۵۶	فصل نهم ، قانون مدنی
۳۸۰	فصل دهم ، آبیاری
۴۱۲	فصل یازدهم ، اوقاف
۴۲۴	فصل دوازدهم ، خالصه
۴۵۸	فصل سیزدهم ، عمده مالکان
۴۸۴	فصل چهاردهم ، خرده مالکان و دیگر مالکان جزء
۴۹۷	فصل پانزدهم ، مناطق عشایری
۵۱۷	فصل شانزدهم ، زارع سهم بر و امنیت او از نظر زمین داری و زراعت
۵۳۶	فصل هفدهم ، طرز تقسیم محصول و میزان مال الاجاره ها
۵۷۵	فصل هیجدهم ، خدمات اجباری و عوارض
۵۸۷	فصل نوزدهم ، پرداخت مزد خدمتگزاران محلی
۶۰۸	فصل بیستم ، گله ها و چراگاه ها
۶۲۲	فصل بیست و یکم ، مسائل و مشکلات زارع : روشهای کشاورزی
۶۵۵	فصل بیست و دوم ، مسائل و مشکلات زارع : وامداری و سطح زندگانی او
۶۷۹	فصل بیست و سوم ، آینده

ضمایم

۶۹۳	ضمیمه اول ، از قانون مدنی ، باب سوم ، فصل پنجم ، در مزارعه و مساقاة
۶۹۵	ضمیمه دوم ، اوزان و مقیاسات و پول رائج

۷۰۵	تعلیقات مترجم بر چاپ اول
۷۳۵	تعلیقات مترجم بر چاپ سوم
۷۴۵	استدراک

کتابنامه

۷۴۹	۱- فهرست کتابهای خطی فارسی
۷۵۰	۲- فهرست کتابهای چاپی و سنگی فارسی و عربی
۷۵۸	۳- فهرست کتابهای اروپائی و مآخذ فرعی

کتابنامه الحاقی

۱- مآخذ خطی فارسی

۲- مآخذ اروپائی

فهرست لغات و اصطلاحات

فهرست اعلام

۱- فهرست نام جاها

۲- فهرست نام کسان و خاندانها و ادیان

۳- فهرست نام کتابها

توضیح ناشر

۷۶۵

۷۶۹

۷۷۱

۸۱۴

۸۳۵

۸۵۱

۸۵۷

مقدمه مترجم بر چاپ اول

« مالک و زارع در ایران »^۱ از امهات کتبی است که خاورشناسان در باره ایران نوشته اند و قطعاً در نوع خود بی مانندست ، زیرا گذشته از اینکه موضوع بحث آن بکلی تازه‌گی دارد ، مؤلف محترم با عمق و دقتی قابل تحسین بتحقیق و موشکافی در هر يك از مباحث پرداخته است و « میتوان گفت کمتر منبعی است از منابع و مآخذ موجود از عربی و فارسی و زبانهای فرنگی که مورد استفاده مؤلف قرار نکرده باشد و اگر کسی نظری بصفحات اول کتاب بیندازد ، صحت این گفته را تصدیق خواهد نمود و خواهد دید که حتی از مؤلفین قدیمی سنت و تشیع هیچکس نیست که در باب موضوعی که مبحث ماست

۱- Landlord and Peasant in Persia , London, 1952 . نخستین کسی که در مطبوعات ایران بمعرفی « مالک و زارع در ایران » پرداخت و هموطنان خود را از وجود این کتاب نفیس آگاه ساخت نویسنده نامی آقای سید محمد علی جمال زاده بود . او در مقاله مختصر و مفیدی که تحت عنوان « دو کتاب مفید و گران بها در باره ایران » نوشت و در شماره ۸ مجله سخن (شهریور ماه ۱۳۳۳) بچاپ رساند ، آرزو کرد که این کتاب « هر چه زودتر بهمت جوانان فاضل و دانشخواه ایرانی بفارسی ترجمه برسد . » ازینرو هنگامی که بنگاه ترجمه و نشر کتاب ، ترجمه « مالک و زارع » را بمن پیشنهاد کرد پذیرفتم و بی‌شادم که پس از تحمل چهار سال رنج و کوشش مداوم راه دشواری را که در پیش گرفته بودم بیابان رسانده‌ام و اینك حاصل کار خود را به پیشگاه خداوندان علم و ادب عرضه میدارم .

چیزی نوشته باشد و از نظر کنجکاو و تحقیق مؤلف باهمت دورمانده باشد^۱ این راهم من باب معترضه بگویم که مؤلف باینکه درین کتاب تاریخ ملکداری و اداره عایدات ارضی را از صدر اسلام تا امروز بتفصیل برشته تحریر کشید است و حقاً میبایست آنرا «تاریخ» روابط مالک و زارع خوانده باشد، لفظ تاریخ را بکار نبرده و با فروتنی ای که خاص دانشمندان حقیقی است مینویسد «مقصود از تألیف این کتاب مطالعه وسیع و کلی درباره وضع مالک و زارع در ایران کنونی و عواملی تاریخی است که پدید آمدن وضع موجود منجر شده است»^۲. در جای دیگر میگوید «غرض از تألیف این کتاب فراهم کردن مقدمه‌ای در موضوع مورد بحث است»^۳.

باری مؤلف برای نوشتن چنین کتابی نه تنها بتحقیق و تتبع در کتب و مقالات بیشمار دست برده است، بلکه از نزدیک بمشاهده راه و رسم ملکداری و مطالعه روابط مالک و زارع پرداخته و بدین تیت سفرهای دور و درازی باقصی نقاط ایران کرده و مواد و مصالح لازم برای تألیف گرانقدر خود فراهم ساخته است.

بنابراین باید گفت که کتاب او «کامل ترین کتابیست که تا با امروز درباره ملکداری (املاک زراعتی) و مناسبات ارباب و دهقان مملکت ما نوشته شده است»^۴ و باتوجه باینکه هنوز اکثریت مردم این مرز و بوم را دهقانان تشکیل میدهند، میتوان باهمت چنین تألیفی پی برد و بامترجم درین نکته همداستان شد که موضوع این کتاب بحث در یکی از مهمترین فصول تاریخ اجتماعی ایران است.

۱- جمال زاده درمجله سخن، ص ۶۴۳. ۲- ص ۱. ۳- ص ۲.

۴- مقاله سابق الذکر جمال زاده، ص ۶۴۳-۶۴۴.



دکتر لمتون^۱ را طبقه درس خوانده ایران می‌شناسند. زبان و ادبیات فارسی را در «مدرسه مطالعات شرقی و افریقائی» (وابسته بدانشگاه لندن) فرا گرفته و در سال ۱۹۳۹ موفق بگرفتن درجه «دکتری فلسفه»^۲ شده است. وی از سال ۱۹۳۹ تا ۱۹۴۵ بعنوان وابسته مطبوعات سفارت انگلیس در طهران مشغول خدمت بوده و در سال ۱۹۴۵ بدانشیاری و در ۱۹۵۲ بمقام استادی ادبیات فارسی دانشگاه لندن نایل آمده و در ۱۹۴۵ موفق بگرفتن درجه «دکتری ادبیات»^۳ شده است. از مهمترین آثار او باید کتاب «مالک و زارع در ایران»، «لغت فارسی»^۴، «دستور زبان فارسی»^۵، «سه لهجه از لهجه های ایرانی»^۶ را نام برد. گذشته ازین کتاب‌ها، دکتر لمتون مقالات محققانه‌ای نوشته و در مجلات مختلف انتشار داده است که مهمترین آنها بقراردیل است: «شرحی درباره تاریخ قم»^۷، «تنظیم آب زاینده رود»^۸، «دوسیورغال متعلق بدوره صفویه»^۹، «جهانداری سنجربنا بشرح و تفصیل عتبة الکتبه»^{۱۰}، «جامعه اسلامی در ایران»^{۱۱}، «اندیشه‌هایی درباره آئین جهانداری از نظر ایرانیان»^{۱۲}، «نصیحة الملوك غزالی و آئین شهریاری»^{۱۳}، «تأثیر تمدن

Litt. D. - ۳ Ph.D. - ۲ ANN K.S. Lambton - ۱

Persian Vocabulary (Cambridge University Press, 1953) - ۴

Persian Grammar (Cambridge University Press, 1953) - ۵

Three Persian Dialects, (Forlong Funds, 1938) - ۶

An Account of Tārkhī Qum, B.S.O.A.S., 1948, xii, 3 and 4 - ۷

The Regulation of the Waters of the Zāyande Rūd, B.S.O.A.S. 1937-9, ix, 3 - ۸

Two Safavid Soyurghāls, B.S.O.A.S., 1950 - ۹

The Administration of Sanjān's Empire as illustrated in the Atabat-al-hataba, - ۱۰
B.S.O.A.S., 1957, xx.

Islamic Society in Persia, B.S.O.A.S., 1954 - ۱۱

Quis Custodiet Custodes: Some Reflections on the Persian Theory of Government, - ۱۲

Studia Islamica, fasc. v & vi, 1956

The Theory of Kingship in the Nasihat al-Molūk of Ghazālī, *The Islamic Quarterly*, I, i.

غرب در ایران»^۱، «انجمن‌های سری و انقلاب ایران در ۱۳۲۴ قمری»^۲
در تاریخ تحریر این سطور وی در ایران مشغول تحقیق و تألیف تاریخ دوره
قاجاریه است.



در میان کتاب‌های ایرانشناسی که تاکنون بفارسی ترجمه شده است
کمتر کتابی را میتوان سراغ کرد که ترجمه آن بقدر ترجمه کتاب مالک
وزارع مشکل بوده باشد، زیرا چنانکه اشاره کردم موضوع کتاب تازه است،
راهی نیست که دیگران کوفته و هموار کرده باشند. ازین گذشته موضوع
کتاب با اینکه یکیست اما همین موضوع واحد با مطالب متنوع و مباحث مختلف
سروکار دارد و جان کلام آنکه بتاریخ چهارده قرن ایران پس از اسلام پیوسته
است. ازینرو کوشیده‌ام که منتهای دقت و امانت را در ترجمه بکار بندم و لازم
میدانم که چند کلمه نیز درباره روش کار خود بنویسم

اساس کار مؤلف مانند دیگر دانشمندان اروپائی برین بوده است که بجای
ذکر نام مأخذ مذکور در متن و حواشی کتاب نام مؤلفان را بیاورد و فی‌المثل
بجای معجم البلدان، یاقوت بنویسد و در فهرستی جدا گانه وصف کامل مأخذ را
اعم از چاپی و خطی بدست دهد. در ترجمه نیز ازین روش پیروی شده است.
در مورد نام کتاب‌های فرنگی تنها بنقل عنوان‌های اصلی اکتفا نکرده بلکه
ترجمه فارسی آنها را نیز آورده‌ام. مؤلف در غالب موارد نخست سنه میلادی
و سپس هجری قمری را آورده و این دورا بوسیله خط فاصلی از هم جدا
گردانده است. من نیز چنین کرده‌ام و هر جا که مؤلف بذکر سنه میلادی

۱- The Impact of the West on Persia, International Affairs, January, 1958.
۲- Secret Societies and the Persian Revolution of 1905-6, St. Antony's Papers, -۱
The Middle East, I, 1958.

اكتفا کرده ، من سنه هجری قمری را بلافاصله بین دو قلاب [] قرار داده و بر آن افزوده ام . هرجا که سنه هجری بتنهائی ذکر شده در صورتی که شمسی بوده با علامت «ش» و در صورتی که قمری بوده بی هیچ علامت یا با نشانه «ق» مشخص شده است . در همه جای کتاب هرجا لازم بوده است که مطلبی از خود بر مطالب مؤلف بیفزایم (یا در معدودی از موارد جانشین مطالب مؤلف کنیم) آنرا نیز بین دو قلاب یعنی این علامت [] قرار داده ام .^۱

تا توانسته ام از بکار بردن لغات غلط فرهنگستان خودداری کرده ام مگر لفانی که رواجی تام و تمام یافته است و نویسنده امروزی را از بکار بردن آنها کزیری و گزیری نیست . چون سخن از لغات و کلمات بمیان آمد باید یاد آور شوم که متأسفانه چند جا طغیان قلم موجب شده است که صفت و موصوف عربی را مطابقت دهم و مثلاً بحای ممالك مغلوب ، ممالك مغلوبه بنویسم . همچنین در پاره ای از موارد يك لغت فرنگی را بدو صورت ضبط کنم و مثلاً لیدن (از شهر های هلند) را هم لیدن و هم لایدن و کیگر (نام یکی از خاور-شناسان) را هم کیگر و هم گایگر بنویسم . همین سخن را باید در مورد املای پاره ای از کلمات فارسی بگویم مانند پاره یی و پاره ای .



متن انگلیسی مالک و زارع که اکنون در دسترس است در ۱۹۵۲ انتشار یافته است و ناچار از تحولاتی که در امر ملکداری و روابط مالک و زارع درین

۱ - در چند جا که مؤلف مطالبی از متون مختلف نقل کرده و برای توضیح مطلب يك یا چند کلمه از خود بر آن مطالب افزوده و در میان این علامت [] گنجانده است ، مترجم آنها را بین این علامت [()] قرار داده است .

هشت نه سال اخیر در ایران روی داده سخنی در آن بمیان نیامده است بهمین سبب در صدد بر آمدم که تعلیقانی^۱ از خود در پایان کتاب بیاورم و دامنه بحث را با رعایت ایجاز (و در غالب موارد اقتصار بمنقولات بدون ورود در بحث و نقد مطالب) تا بامروز بکشانم.



اکنون باید از همه دوستان عزیز دانشمندی که هر يك بنحوی یار و مددکارم بوده اند از دل و جان سپاسگزاری کنم، خاصه از آقای مسمود رجب نیا که زحمت تهیه فهرست مفصل اعلام را بر خود هموار کرد و ازین راه منتی عظیم بر من نهاد.

از جناب آقای حاج محمد آقا نخجوانی و جناب آقای حاج حسین آقا نخجوانی که متن فرمانهای متعلق بخودشان را در اختیار من نهادند و از دانشمند گرامی استاد سعید نفیسی که عده فراوانی از کتاب های نفیس خود را با مانت مرحمت فرمود و از آقایان دکتر محمد جواد مشکور و محمد دبیر سیاقی که در واقع کتابخانه های خود را بمن سپرده بودند بسیار ممنونم. از آقای عبدالعلی کارنگ که زحمت استنساخ فرمانهای متعلق بآقایان نخجوانی ها را تقبل فرمود و از آقایان محمد جمفر محبوب و فرج الله بهروان (متصدی بایگانی را کد مجلس شورای ملی) که دریافتن یکی از لوایح قانونی مرا یاری کردند و از آقای حسین شهیدی رئیس بایگانی کل وزارت دارائی که پاره ای از مدارك مضبوط در وزارت دارائی را در اختیار من نهاد و از آقایان دکتر کیخسرو

۱- مترجم «ضمیمه» های مؤلف (appendix) را در متن کتاب سهواً به «تعلیق» ترجمه کرده و هر چند این نکته را در جای خود یاد کرده است تکرارش را در اینجا لازم میدانم تا «ضمایم» مؤلف با «تعلیقات» مترجم اشتباه نشود.

کیقبادی و جلیل محمودی که بترتیب مرا در ترجمه اصطلاحات مالی و کشاورزی راهنمایی کردند و از آقای دکتر سیف‌الدین قائم مقامی رئیس اداره آمار و اطلاعات و انتشارات بانک عمران که نشریات مربوط بتقسیم املاک بهلوی را برایم فراهم کردند و از آقای حسین کی‌استوان که در تصحیح نمونه‌های دوم چاپی کتاب منتهای سعی و دقت را مبذول فرمود شکر گزارم.

همچنین مؤلف کتاب بمصداق مثل انگلیسی «بازبین اما نه کمترین همه»^۱ در حل پاره‌ای از مشکلات یاریم نمود و هنگامی که کتاب زیر چاپ بود کار مترجم را ستود و درین اوراق بدیده قبول و رضا نکریست. با این همه اگر خطائی بر قلم رفته باشد تمنای تذکر دارم و از او و دیگر خوانندگان عزیز عذر می‌خواهم.

منوچهر امیری

طهران، ۲۶ فروردین ۱۳۳۹